

مہارویں در عصر حاضر  
پنجمین اجلاس اہلسنت و جماعت  
حضرت مولانا محمد رفیع صاحب مدظلہ العالی

**Mahdaviat**  
in present time

Meeting of reviewing existence  
the 5<sup>th</sup> dimension of hazrat  
**Mahdi**  
(May 1500 hadith his reappearance)

شکوفايي حقوق شہروندی  
در عصر ظہور

عبدالرحیم سلیمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شکوفایی حقوق شهروندی در عصر ظهور

عبدالرحیم سلیمانی

به سفارش

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۳۸.  
شکوفایی حقوق شهروندی در عصر ظهور / عبدالرحیم سلیمانی :  
به سفارش دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی. - قم: سازمان  
تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵.  
۵۶ ص.

ISBN: 964-96941-2-9 ریال ۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -  
الف. اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج).  
دبیرخانه دائمی. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۴۶۲

ش ۸۷ س / BP ۲۲۴

۱۱۴۳۶ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران

## شکوفایی حقوق شهروندی در عصر ظهور

مؤلف: عبدالرحیم سلیمانی

تدوین / ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۵

چاپخانه: گلها

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۶۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۶۹۴۱-۲-۹

کلیه حقوق محفوظ می باشد.

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

کارشناسان ارزیابی: هیأت علمی دبیرخانه اجلاس:

مدیر تدوین: سید جمال الدین شمس؛ بازیینی نهائی: جواد محفوظی نژاد؛

مدیر هماهنگی و نظارت: مجید افشار؛ مدیر تولید و نشر: سید محمد باقی زاده؛

صفحه آرائی: سید محمد مسجدی؛ طرح جلد: هادی معزی.

## فهرست مطالب

مقدمه	۷
بخش اول	۹
مبادی و مبانی	۹
بخش دوم	۲۳
حقوق شهروندی در عصر ماقبل ظهور	۲۳
بخش سوم	۳۷
حقوق شهروندی در عصر ظهور	۳۷
چکیده	۵۵

## نقدنامه

حقوق شهروندی چیست و مصادیق آن کدامند؟ در عصر ظهور، شهروندان از چه حقوقی و در چه سطحی برخوردارند؟ نوشتار حاضر - که به این سوالات پاسخ می‌دهد - در سه بخش سامان گرفته:

الف) مبادی و مبانی که به بیان چیستی حقوق شهروندی و مصادیق آن، و بیان دو تلقی از این حقوق می‌پردازد.

ب) حقوق شهروندی در عصر ماقبل ظهور؛ تا معلوم شود نتیجه آخرین تلاش‌های بشر محروم از هدایت و رهبری امام معصوم کدام است و سیر جوامع انسانی در این زمینه به کجا منتهی می‌شود؟ و همچنین به کمک مقایسه، ارزش‌های حاکم بر عصر ظهور بهتر شناخته شود.

ج) حقوق شهروندی در عصر ظهور.

وما توفیقی الا بالله

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی

پنجم / شهریور ماه / هشتاد و چهار

## بخش اول

### مبادی و مبانی

۱- واژه شهروند هرچند به حسب وضع اولی بر شهرنشین اطلاق می‌شود؛ یعنی کسی که در یک مجموعه شهری ساکن، و عضوی از آن محسوب می‌شود. اما معمولاً آنچه از استعمال این واژه اراده می‌شود معنایی اعم است و فرد ساکن روستا، ایلات خوش‌نشین و حتی افرادی را که ممکن است بیرون از مجموعه‌های شهری و روستایی به صورت منفرد زندگی کنند شامل می‌شود. آنچه ملاک صدق عنوان شهروند بر یک فرد است، تابعیت وی در یک مجموعه بزرگ‌تر است که در حال حاضر آن را یک کشور تعریف می‌کنند و چه بسا بعد از این، ملاک مذکور توسعه یابد و مجموعه بلوک‌های مرکب از کشورهای خاصی معیار اطلاق عنوان شهروندی گردد.

۲- هر جامعه‌ای مطابق سازو کارهای رایج در آن، برای ادارهٔ جامعه و گذران زندگی اجتماعی به تدوین قوانینی دست می‌یازد که شهروندان، مطابق آن قوانین از حقوقی برخوردار شده و تکالیفی نیز متوجه آنها می‌شود. منشأ این حقوق و وظایف یا شرایط خاص محدوده جغرافیایی، قومی، نژادی و... است و یا فارغ از این تعلقات و از حیث انسانیت انسانها است. این دو دسته حقوق و وظایف ممکن است گاهی در تعارض با همدیگر بوده و وظایف ناشی از حیثیت اول سبب سلب حقوق ناشی از حیثیت دوم شوند.

۳- در دوران معاصر بعضی از تشکلهای و افراد مؤثر جهانی که - به هر انگیزه‌ای - دغدغه حقوق بشر را در سر داشتند به این فکر افتادند که متنی شامل حقوق همهٔ افراد بشر - فراتر از ملیت، نژاد، مذهب و سایر تعلقات - تدوین کنند و به هدف اخذ تعهد برای رعایت آنها به امضای دولتهای عضو سازمان ملل متحد برسانند. این تدبیر، به حسب ظاهر با انگیزه صیانت از حقوق انسانها و پاسداشت کرامت بشر در مقابل تعدیات احتمالی حکومتها به آن صورت گرفت. امضا کنندگان این متن که اعلامیه جهانی حقوق بشر نام گرفت، متعهد می‌شدند آن دسته از قوانین داخلی کشورهای خود را که در تعارض با مفاد این عهدنامه بود لغو کنند.<sup>۱</sup>

---

۱. مادهٔ ۱۲ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر.



این عهدنامه در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ شمسی به امضای اکثریت اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

۴- تعیین و تعریف هر حق و یا تکلیفی برای بشر مبتنی بر دیدگاهی است که در مورد حقیقت انسان و مسائل پیرامون آن وجود دارد. و اختلاف دیدگاهها به ناچار منجر به اختلاف در تعیین حقوق و وظایف خواهد شد. هرچند در اعلامیه حقوق بشر سعی بر تعیین حقوق عام - که مورد قبول همه مکاتب و مذاهب باشد - برای انسان بوده، اما به دلیل ساختهای وجودی درهم تنیده انسان حتی تعیین این حداقل نیز آسان نیست.

مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر محصول دیدگاهی است که انسان را موجودی ساکن می بیند نه سالک؛ حلقه‌ای پرتاب شده در ناکجا آباد که افق روشنی ندارد، غوطه‌ور در دریای بدون ساحل. گویا نه مبدئی داشته و نه منتهایی خواهد داشت. از کجا آمدن و به کجا رفتن و آمدن بهر چه؟ سؤالاتی است بی اهمیت و بی پاسخ. و به همین جهت، نفس آزادی (در عقیده و عمل) موضوعیت پیدا کرده است. هر عقیده‌ای محترم! شمرده شده؛ هم عقیده دینی و هم عقیده ضد دینی و الحادی. مدافعان حقوق بشر این چنینی هیچگاه همجنس‌بازی را غیر محترم ندانسته‌اند و رسمیت بخشیدن به آن توسط مجالس قانونگذاری

کشورهای پیشرفته را امری در راستای احترام به حقوق انسان‌های همجنس باز تلقی کرده و مورد تقدیر قرار می‌دهند.

اما دیدگاه دیگر، انسان را نه پرتاب شده در وادی برهوت، که موجودی کریم می‌بیند. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾<sup>۱</sup> مخلوق خدایی حکیم و مسافری به مقصد لقای همان خدای حکیم؛ ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾<sup>۲</sup> و ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾<sup>۳</sup> با زادراه و توشه‌ای از درون؛ ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾<sup>۴</sup> و ﴿فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾<sup>۵</sup> و هادیانی از برون؛ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۶</sup> در چنین دیدگاهی محترم بودن مطلق اندیشه و عمل معنا ندارد؛ زیرا اندیشه و عمل بی‌رنگ وجود ندارد؛ یا به رنگ خدا است؛ ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً﴾<sup>۷</sup> و یا رنگ دنیای دنی.

به همین جهت سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی

۱. اسراء/۱۷: ۷۰.

۲. بقره/۲: ۱۵۶.

۳. انشفاق/۸۴: ۶.

۴. شمس/۹۱: ۸.

۵. روم/۳۰: ۳۰.

۶. جمعه/۶۲: ۲.

۷. بقره/۲: ۱۳۸.

اقدام به تدوین اعلامیه اسلامی حقوق بشر کرد تا نظر این کشورها را در مورد آن بخش از اعلامیه جهانی حقوق بشر که با اصول اسلامی در تعارض بود بیان کنند. این اعلامیه حدود ۶۰ سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی به تصویب اعضای سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی رسید.

۵- موارد اصلی اختلاف مفاد دو اعلامیه مذکور را می‌توان به اختلاف در مورد کرامت انسانی و وظایف دولت‌ها در این باره ارجاع داد؛

۱ / ۵- در دیدگاه اسلامی نوع انسانی یک نوع

کریم است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾<sup>۱</sup>

منشا کرامت او روح الهی است که در وی دمیده شده؛ نه بدن مادی او. خداوند متعال در بیان مراحل خلقت انسان از نطفه، علقه، مضغه، استخوان، گوشت و بالاخره دمیدن روح که از آن با تعبیر ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ یاد می‌کند، تنها بعد از آخرین مرحله (دمیدن روح) است که خود را با ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>۲</sup> می‌ستاید و همین

۱. اسراء/۱۷: ۷۰.

۲. مزمنون/۲۳: ۱۴.

مرحله باعث چنین ستایشی شده است.<sup>۱</sup> وگرنه سایر حیوانات در مراحل قبل از آن با انسان شریک‌اند.<sup>۲</sup> و آیه شریفه:

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾<sup>۳</sup>

نیز بر همین امر دلالت دارد، زیرا بعد از تسویه و دمیدن روح است که فرشتگان مامور به سجده می‌شوند.

۲ / ۵ - انسان کریم از فرشتگان نیز برتر است، زیرا خداوند در آفرینش هیچ موجود دیگری - حتی فرشتگان - خود را به أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ نستود. و اگر خداوند احسن‌الخالقین است؛ انسان هم احسن‌المخلوقین و کَوْنِ جَامِعِ است. این احسن‌المخلوقین بودن انسان از جنبه بدنی و حیوانی او نبود، زیرا حیوانات دیگر با او در این جنبه شریک‌اند؛ همچنین مربوط به جنبه عقلانی محض او هم نیست، زیرا در این جنبه فرشتگان هم با او شریک‌اند، درحالی‌که فرشتگان احسن‌المخلوقین نیستند.<sup>۴</sup>

۳ / ۵ - کرامت انسانی که همان اعتلاء روحی و نزاهت از پستی و فرومایگی است، یک امر بالفعل در میان همه افراد بشر نیست، که اگر چنین بود تکلیف، اطاعت و

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. جوادی آملی، کرامت در قرآن، ص ۵۲.

۳. حجر/۱۵: ۲۹.

۴. جوادی آملی، کرامت در قرآن، ص ۵۲-۵۳.

عصیان و عذاب و ثواب معنا نداشت و در مذمت هیچ انسانی نمی توانستیم بگوییم:

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾<sup>۱</sup>

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾<sup>۲</sup>

و ﴿صُمُّ بِكُمْ غُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾<sup>۳</sup>

لیکن این کرامت امری بالقوه است و به حسب خلقت خود نسبت به خوبی ها و بدی ها واکنش یکسان ندارد، بلکه آنچه مایه شرافت و کرامت اوست تقوا است و آنچه مایه دنائت و سقوط اوست فجور است.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾<sup>۴</sup>

تنها در پرتو عمل اختیاری است که کرامت انسانی از قوه به فعل تبدیل می شود و اگر کسی مقابل کرامت، یعنی دنائت و فجور را اختیار کرد چنین کسی نه تنها کریم نیست که انسان هم نیست.

۴ / ۵ - همچنانکه فطرت و طبیعت نیالوده انسانی

نسبت به فجور و تقوای خود بی تفاوت نیست، نسبت به

۱. اعراف/۷: ۱۷۹.

۲. بقره/۲: ۷۴.

۳. بقره/۲: ۱۸.

۴. شمس/۹۱: ۷-۸.

انحراف دیگران از جاده کرامت نیز بی تفاوت نیست و برای نجات دیگران احساس مسئولیت می‌کند. دین الهی نیز نسبت به این امر ساکت نیست، چراکه فلسفه بعثت چیزی جز حفظ و به فعلیت رساندن کرامت انسانی نیست.

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ،<sup>۱</sup>  
وَعَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِهَا.<sup>۲</sup>

خداوند خود را معلم کرامت خواند.

﴿أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾<sup>۳</sup>

و قرآن را کتاب کرامت معرفی کرد.

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۴</sup>

که موجودات کریم حامل اویند.

﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾<sup>۵</sup>

بنابراین جامعه اسلامی و حاکمان اسلامی نمی‌توانند

---

۱. المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۶، ح ۵۲۱۷.

۲. ری شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۸۰۴.

۳. علق/۹۶: ۳-۴.

۴. واقعه/۵۶: ۷۷.

۵. عبس/۸۰: ۱۵-۱۶.

نسبت به سرنوشت انسانها بی تفاوت باشند، بلکه غایت دین را امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. علی علیه السلام:

غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ  
الْحُدُودِ.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

لَا دِينَ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.<sup>۲</sup>

۵ / ۵ - بر اساس آنچه گذشت در مواردی که اعلامیه جهانی حقوق بشر نسبت به کرامت انسانی و حق انسانها نسبت به ایجاد زمینه و بستر برای فعلیت بخشی به کرامت‌های بالقوه بی تفاوت گذشته - و یا مسیری خلاف آن پیموده - اعلامیه اسلامی حقوق بشر در صدد اصلاح برآمده و بندهایی متناسب با این حق مهم شهروندی به تصویب رسانده است. چنانچه در ماده اول:

ضمن تأیید این نکته که همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره برابرند؛ تأکید می‌کند که عقیده

۱. الامدی، غررالحکم، ص ۴۶۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۶.

صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد. و فاجر و متقی را یکسان نمی‌بیند و اضافه می‌کند: هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.

#### در ماده دهم:

تصریح می‌کند که اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحد جائز نمی‌باشد.

در ماده هفدهم به این نکته بسیار مهم می‌پردازد که:

هر انسانی حق دارد در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی به گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

در این نوشتار از این حق مهم بشری و شهروندی به حق معنوی یا حق حیات طیبه یاد می‌کنیم. و آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر عهدنامه‌ها و میثاق‌های جمعی در تضاد با این حق اساسی باشد؛ نه تنها آنرا حقی بر له بشریت نمی‌دانیم، بلکه علیه او می‌دانیم.

۶- آن دسته از حقوق بشر که بطور مشترک در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده



است به قرار ذیل است:

۱. آزادی خدادادی و تساوی حیثیتی و حقوقی ۲. حق
- زندگی، آزادی و امنیت شخصی ۳. نفی بردگی ۴. نفی
- شکنجه و مجازاتهای مغایر با حیثیت انسانی ۵. تساوی
- در برابر قانون ۶. حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه
۷. منع توقیف، حبس و تبعید خودسرانه ۸. حق رسیدگی
- منصفانه به دعاوی توسط دادگاه بیطرف ۹. اصل اولی
- برائت در موارد اتهامی ۱۰. عدم مداخله در زندگی
- خصوصی و امور شخصی ۱۱. حق انتخاب محل اقامت و
- ترک کشور یا بازگشت به آن ۱۲. حق پناهندگی در صورت
- تعقیب، شکنجه و آزار به ناحق ۱۳. حق تابعیت و تغییر
- تابعیت ۱۴. آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت
- آمیز ۱۵. حق شرکت در اداره عمومی کشور خود و نیل به
- مشاغل عمومی کشور ۱۶. حق امنیت اجتماعی و استیفای
- حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۷. حق کار و
- انتخاب شغل و اجرت مساوی در قبال کار مساوی
۱۸. حقوق تأمین اجتماعی و حمایت از مادران و کودکان
۱۹. حق آموزش و پرورش ۲۰. حق برخورداری از منافع
- ناشی از فعالیت‌های فرهنگی، علمی و هنری ۲۱. حق
- برخورداری از نظمی که حقوق و آزادی‌های مذکور را
- تأمین می‌کند.

همه حقوق مذکور در دو اعلامیه را می‌توان در چهار

بخش عمده طبقه بندی کرد و آرزوی بشر امروز را تحقق مفاد این حقوق دانست:

- حقوق اجتماعی - فرهنگی

- حقوق قضایی

- حقوق اقتصادی

- حقوق معنوی (حق حیات طیبه)

این چهار دسته حقوق در تحقق و عدم تحقق، و در توسعه و ضیق متأثر از شیوه عمل حاکمان است و قوای حاکمه را می توان در دو عنوان اصلی عدل و ظلم جای داد. بنابراین میزان عدالت و ظلم قوای سلطه (اعم از سلطه داخلی و خارجی) عمده ترین معیار داوری تحقق یا عدم تحقق حقوق بشر در یک جامعه بشمار می رود.

۷- تذکر دو نکته ضروری است:

۱ / ۷- از آنجا که به مقتضای احادیث، حکومت مهدوی حکومتی جهانی و یکپارچه خواهد بود؛ میان حقوق شهروندی و حقوق بشر تفاوتی نخواهد بود و این دو بر هم منطبق اند، زیرا آنچه فصل ممیز حقوق شهروندی به شمار می رفت اقتضات خاص هر کشوری بود که قوانین مخصوص همان کشور را در پی داشت و با برداشتن مرزهای جغرافیایی و تشکیل امت واحد جهانی، فلسفه وجودی قوانین خاص هم منتفی شده و همه انسانها شهروند یک دولت خواهند بود.

شکوفایی حقوق شهروندی در عصر ظهور □ ۲۱

۷ / ۲ - از باب تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا مناسب است قبل

از آنکه تصویری از حقوق بشر در عصر ظهور ارائه دهیم؛

ابتدا به وضعیت حقوق شهروندی در جوامع عصر

ماقبل ظهور نظری بیانداریم.

## بیشتر بدانیم:

حقوق شهروندی در عصر ماقبل ظهور  
الف) حقوق شهروندی در عرصه قضایی، اجتماعی و فرهنگی: مهم‌ترین مانع تحقق حقوق شهروندی حاکمان ظالم و ستمگر هستند. آنها هرچه را که مخالف تداوم سلطه خود بدانند از بین می‌برند. حقوق انسانها تا زمانی برایشان محترم است که در تعارض با هوی و هوس‌ها و فزون‌طلبی‌های آنها نباشد.

پیامبر اکرم ﷺ درباره حقوق شهروندی در عرصه قضایی و امنیت اجتماعی، از حاکمان ستمگری یاد می‌کند که با قتل و تهدید هر مخالفتی را سرکوب می‌کنند؛

وَيُجِئُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يُخَيِّفُونَ

الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ،<sup>۱</sup>

امیران سفیھی که سنت پیامبر ﷺ را رها می‌کنند؛

لَا يَهْدُونَ بِهَدْيِي وَلَا يَسْتَنْوَنَ بِسُنَّتِي،<sup>۲</sup>

اقتصاد و ارزاق مردم را در اختیار می‌گیرند، دروغ می‌گویند و مردم را مجبور می‌کنند که اعمال زشت آنها را حسن بخوانند و دروغ آنها را حقیقت بدانند؛

يَمْلِكُونَ أَرْزَاقَكُمْ، يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ، وَيَعْلَمُونَ وَيُسْپِئُونَ الْعَمَلَ، لَا يَرْضُونَ مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ وَتُصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ،<sup>۳</sup>

از کتاب خدا فاصله گرفته‌اند، اطاعت از آنها موجب گمراهی است و مخالفت با آنها موجب کشته شدن است؛

أَلَا إِنَّ الْكِتَابَ وَالسُّلْطَانَ سَيَفْتَرِقَانِ... فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ،<sup>۴</sup>

این حاکمان گمراه کننده از گرسنگی کشته‌تر و دشمن مهلک و حتی از فتنه دجال بدترند؛

لَسْتُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي جُوعاً يَقْتُلُهُمْ وَلَا عَدُوًّا يَجْتَا حُهُمْ وَلَكِنِّي

۱. کورانی، معجم احادیث، ج ۱، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۹.

۴. همان، ص ۳۱.

أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أُمَّةً مُضِلِّينَ، وَ... أَخُوفٌ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ،  
الْأُمَّةَ الْمُضِلُّونَ،<sup>۱</sup>

بدترین امتاند که مسلمین را دچار عذابی سخت  
می‌کنند، امیر آنها دروغگو، وزیران وی فاجر، و افراد مورد  
اعتمادشان خائن هستند؛

أَمْزَاءُ كَذَبَةٌ وَ وُزَرَاءُ فَجْرَةٌ وَأَمْنَاءُ خَوْنَةٌ،<sup>۲</sup> يُسَلِّطُ عَلَيْهِمْ  
شِرَارَهُمْ فَيَسُومُونَهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ، يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ  
نِسَاءَهُمْ،<sup>۳</sup>

حاجب و دربان و محافظان آنها زیاد می‌شود و زنان در  
امر حکومت نفوذ پیدا می‌کنند، و حاکمان، فاسق و رذل‌اند؛  
إِذَا كَثُرَتِ الشُّرَطُ وَ مُلِكَتِ الْأُمَمُ... وَ سَادَ الْقَبِيلَةُ فَاسِقُهُمْ وَ  
كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْذَلَهُمْ.<sup>۴</sup>

نتیجه حکومت چنین حاکمانی چیست؟ فساد روی  
زمین و گسترش آن در میان امت، سلب آزادی، ریختن  
خون و مصادره اموال به ناحق؛

تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، وَ فِسَادًا فِي الْأَرْضِ... عُنُوتًا وَ جَبْرِيَّةً وَ

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. همان، ص ۳۹.

فَسَادًا فِي الْأُمَّةِ، ثُمَّ تَكُونُ بَزْبَرِيًّا قَطَعَ سَبِيلِ وَ سَفَكَ دِمَاءٍ وَ أَخَذَ  
أَمْوَالٍ بَغَيْرِ حَقِّهَا،<sup>۱</sup>

قوانین اختصاصی برای خود وضع می‌کنند؛

يَقْضُونَ لِأَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَقْضُونَ لَكُمْ،<sup>۲</sup>

دین مردم را با مال می‌خرند؛

يَبِيعُ أَقْوَامٌ خَلْقَهُمْ وَ دِينَهُمْ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا،<sup>۳</sup>

ظلم و فتنه آنها چنان فراگیر می‌شود که پناهگاهی  
برای فرار از ظلم آنها پیدا نمی‌شود؛

لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ،<sup>۴</sup>

و در هر خانه‌ای ترس و حزن وارد می‌شود؛

مَمْلَأُ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى يَدْخُلَ كُلُّ بَيْتٍ خَوْفٌ وَ حُزْنٌ،<sup>۵</sup>

در این اوضاع فتنه‌های متعدد و متوالی - یکی از  
دیگری بدتر - بر امت اسلامی وارد می‌آید، به طوری که  
برخی صبح مؤمن‌اند، و شب کافر می‌شوند؛

۱. همان، ص ۱۹-۲۱.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۸۳.

۵. المنشی الهندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۶.

سَتَكُونُ فِتْنٌ يُضِیحُ الرَّجُلُ فِیْهَا مُؤْمِنًا وَ یُیْسِبُ كَافِرًا \* یَخْرُجُ  
عَلَى حَیْنٍ اِخْتِلَافٍ مِّنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ شَدِیدٍ \* تَكُونُ اَرْبَعُ فِیْتَنِ:  
الْأُولَى یُسْتَحَلُّ فِیْهَا الدَّمُ، وَ الثَّانِیَةُ یُسْتَعْلُ فِیْهَا الدَّمُ وَ الْمَالُ،  
وَ الثَّلَاثَةُ یُسْتَعْلُ فِیْهَا الدَّمُ وَ الْمَالُ وَ الْفَرْجُ، وَ الرَّابِعَةُ الدَّجَالُ.<sup>۱</sup>

این فتنه‌ها از هر گوشه‌ای سر برمی‌آورند و منجر به  
هرج و مرج می‌شوند؛

سَتَكُونُ فِیْتَةٌ لَا یَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ مِنْهَا جَانِبٌ \* یَكْثُرُ  
فِیْهَا الْهَرْجُ،<sup>۲</sup>

به طوری که حکومت‌ها دوام نمی‌یابند و ای بسا  
حکومتی در آغاز روز، روی کار می‌آید و با کشتار در آخر  
روز بر کنار و سرنگون می‌شود؛

إِمَارَةٌ مِّنَ النَّهَارِ وَ قَتْلٌ وَ خَلْعٌ مِّنَ آخِرِ النَّهَارِ.<sup>۳</sup>

با ملاحظه این وضعیت کشورهای کفر از شرق و غرب  
همچون درندگان گرسنه به قصد غارت مسلمانان به  
سرزمین‌های اسلامی هجوم می‌آورند و حاکمیت را بدست

۱. کورانی، معجم احادیث، ج ۱، ص ۸۸-۹۵.

۲. همان، ص ۸۸ و ۱۰۱.

۳. صدوق، کمال الدین، ص ۳۴۸.



می‌گیرند، نه به صغیر رحم می‌کنند و نه حرمت پیران را  
نگه می‌دارند؛

يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى الْأُمَّمُ مِنْ كُلِّ افِقٍ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَّةُ عَلَى  
قَصْعَيْتِهَا<sup>۱</sup> \* يُؤْتِي شَيْئًا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ شَيْئًا مِنَ الْمَغْرِبِ يَلُونُ أُمَّتِي  
فَالْوَيْلُ لِضِعْفَاءِ أُمَّتِي مِنْهُمْ وَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ، لَا يَزُحْمُونَ صَغِيرًا وَ  
لَا يُوقَرُونَ كَبِيرًا<sup>۲</sup>

و مشرکان، مسلمانان را به استخدام خود درآورده و در  
شهرها می‌فروشدند و کسی بر این امر دل گیر نمی‌شود، نه  
نیکان و نه بدان؛

وَ يَسْتَخْدِمُ الْمُشْرِكُونَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَبِيعُونَهُمْ فِي الْأَمْصَارِ، لَا  
يَتَخَاشَى لِذَلِكَ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ<sup>۳</sup>.

در چنین جامعه‌ای زمینه برای رشد علم و فرهنگ باقی  
نمی‌ماند و جامعه دچار رکود، توقف و بلکه زوال علم  
می‌شود؛

أَيَّامٌ يَزُولُ فِيهَا الْعِلْمُ وَ يَظْهَرُ فِيهَا الْجَهْلُ، \* لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى  
يُقْبِضَ الْعِلْمُ \* وَ يَنْقُصُ الْعِلْمُ<sup>۴</sup>.

۱. کورانی، معجم/احادیث، ج ۱، ص ۷۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۱.

ب) حقوق شهروندی در عرصه اقتصادی: جامعه ماقبل عصر ظهور در زمینه حقوق مالی شهروندان نیز وضعیتی بهتر از عرصه امنیتی و اجتماعی - فرهنگی ندارد. نظام اجتماعی فاسد علاوه بر آثار طبیعی مخربی همچون اختلاف طبقاتی و ازدیاد فقر، بدلیل تعطیل حدود الهی و شیوع گناهان، سبب ابتلاء به قهر الهی و امساک رحمت از ناحیه خداوند نیز می شود.

در آن عصر ربا فراگیر می شود و همگان به نوعی - مستقیم یا غیر مستقیم - به آن مبتلا می شوند؛

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَأْكُلُونَ فِيهِ الرَّبَا، قَالَ: قِيلَ لَهُ النَّاسُ  
كُلَّهُمْ؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْكُلْهُ مِنْهُمْ قَالَ مِنْ غُبَارِهِ،<sup>۱</sup>

و فقر و نیازمندی در جامعه شدت پیدا می کند؛

إِذَا اشْتَدَّتِ الْحَاجَةُ وَالْفَاقَةُ.<sup>۲</sup>

مردم از روی فقر و نیاز شدید، از بخشش سلطان که در ازاء فروش دین خودشان به آنها عطا می کند نمی گذرند؛

خُذُوا الْعَطَاءَ مَا دَامَ عَطَاءٌ، فَإِذَا رِشْوَةٌ عَلَى الدِّينِ فَلَا تَأْخُذُوهُ وَ

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۵.

لَسْتُمْ بِتَارِكِيهِ، يَمْنَعُكُمْ الْفَقْرُ وَالْحَاجَةُ.<sup>۱</sup>

حاکمان ستمگر ارزاق مردم و شریان اقتصادی جامعه را  
در اختیار می‌گیرند؛

أُمَّةٌ يَمْلِكُونَ أَرْزَاقَكُمْ،<sup>۲</sup>

اموال و درآمد مردم را مال خود می‌دانند؛

لَيْسَتْ أَثْرُونَ أَنْفُسَهُمْ بِفِيئِهِمْ،<sup>۳</sup>

شخص معترض به این امر را می‌کشند و آن کس که از  
ترس جان سکوت کند مالش و حقوقش را به  
غارت می‌برند؛

يَلِيهِمْ أَقْوَامٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ وَإِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُوا حَقَّهُمْ.<sup>۴</sup>

مسلمانان بدلیل وضعیت اسفناک معیشت تن به بردگی  
و بندگی می‌دهند و توسط مشرکان به خدمت گرفته شده و  
در شهرها خرید و فروش می‌شوند؛

يُبَاعُ الْأَحْزَارُ لِلْجَهْدِ الَّذِي يَحِلُّ بِهِمْ يَقْرُونَ بِالْعُبُودِيَّةِ، الرَّجَالُ وَ

۱. کورانی، معجم احادیث، ج ۱، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

النِّسَاءِ، وَ يَسْتَخْدِمُ الْمُشْرِكُونَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَبِيعُونَهُمْ فِي الْأَنْصَارِ.<sup>۱</sup>

کفار رودهای پنجگانه سیحون و جیحون و دجله و فرات و نیل را تصاحب می‌کنند؛

لَا يَظْهَرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْكُفَّارُ الْخُمْسَةَ الْأَنْهَارَ... وَ هِيَ سَيْحُونَ وَ جَيْحُونَ وَ الْفُرَاتَانِ وَ نَيْلُ مِصْرٍ.<sup>۲</sup>

از طرفی رحمت خداوند هم، از چنین جامعه‌ای دریغ می‌شود؛

إِنْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: جَوْرٍ مِنَ السُّلْطَانِ، وَ قَحْطٍ مِنَ الزَّمَانِ.<sup>۳</sup>

خداوند باران رحمتش را از آنها دریغ می‌کند و آن را در غیر وقت مفیدش نازل می‌کند؛

يُحَرِّمُهُمُ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ فِي أَوَانِهِ وَ يُنْزِلُهُ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ.<sup>۴</sup>

نیکان آنها دعا کرده و رحمت الهی را طلب می‌کنند اما اجابت نمی‌شود؛

فَيَدْعُوا خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۴۵.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. همان، ص ۴۶.

ج) حق معنوی شهروندان: در جامعه‌ای که آلوده به انواع رذایل اخلاقی است نمی‌توان توقع داشت که مکارم اخلاقی در انسانها به فعلیت برسد. غالب انسانها به شدت از فرهنگ حاکم بر محیط اجتماعی خود تاثیر می‌پذیرند. حکمت و جوب امر به معروف و نهی از منکر و تأکید فراوان بر آن در فرهنگ اسلامی به همین دلیل است تا حق حیات طیبه برای انسانها را تضمین کرده و مانع از تزییع این حق مهم شهروندان جامعه اسلامی شود. تجربه بشری هم گواه بر تأثیر فراوان فضای عمومی بر رشد یا انحطاط اخلاق شهروندان است. تخصیص بودجه‌های هنگفت توسط دولت‌ها و نهادهای مدنی به امر تبلیغات، و تلاش فراوان قدرت‌های استعماری در به‌دست گرفتن رسانه‌های جهانی و ملی همگی نشانگر شدت تأثیرگذاری آنهاست. و انسانهایی که در برابر فرهنگ غالب جامعه مقاومت می‌کنند بسیار اندک‌اند.

در جامعه عصر ماقبل ظهور، این حق مهم شهروندی به وحشیانه‌ترین وضعی در معرض نابودی قرار می‌گیرد. چنان بستری فراهم می‌شود که افراد جامعه، مکارم اخلاقی را فراموش و شنیع‌ترین اعمال خلاف فطرت و دین را با افتخار تمام مرتکب می‌شوند، در حالیکه مورد

تشویق دیگران هم قرار می‌گیرند.

در آن جامعه نه تنها امر به منکر، و نهی از معروف می‌شود، بلکه اساساً منکر را معروف، و معروف را منکر می‌دانند؛

إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ... وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا.<sup>۱</sup>

آشکارا با اصول اسلامی، حتی اعتقاد به خدا مخالفت می‌شود؛

لَا يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ حَتَّى يُكْفَرَ بِاللَّهِ جَهْرَةً،<sup>۲</sup>

اسلام بین مردم غریب می‌شود؛

بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا،<sup>۳</sup>

و از اسلام و قرآن جز اسمی و رسمی باقی نمی‌ماند؛

لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَ لَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ،<sup>۴</sup>

مال را همچون بت می‌پرستند؛

---

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

۲. کورانی، معجم احادیث، ج ۱، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. همان، ص ۴۴.

قالوا یا رسولَ اللہ اَیَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ؟ قال: نَعَمْ کُلُّ دِرْهَمٍ  
عِنْدَهُمْ صَنْمٌ،<sup>۱</sup>

فسق آشکار می‌شود، مردان به مردان و زنان به زنان  
بسند می‌کنند (همجنس بازی). همسایه، همسایه‌اش را  
اذیت می‌کند و مانعی برای او نیست. امر کننده به معروف  
ذلیل و خوار است. مردان خود را برای مردان فربه کرده و  
پرورش اندام می‌دهند و زنان برای زنان. مرد روزی خود را  
از راه دبر خود تهیه می‌کند و زن از فرج خود. مردان بر پسر  
بچه‌ها غیرت می‌کنند. ربا هیچ قبیحی ندارد و زنان به عمل  
زنا مدح می‌شوند. با ارحام خویش ازدواج می‌کنند. مرد از  
طریق کسب نامشروع زن خود (زنا) گذران می‌کند و زن و  
دخترش را کرایه می‌دهد. قمار آشکارا انجام می‌شود. زنان  
خود را در اختیار اهل کفر قرار می‌دهند. مواد مخدر و شراب  
فراوان می‌شود. با حیوانات عمل شنیع (جنسی) انجام  
می‌شود. کسب حلال مذمت شده و کسب حرام مدح  
می‌شود. کسی که کمترین درجه امر به معروف و نهی از  
منکر را انجام می‌دهد نصیحت می‌کنند که به تو مربوط  
نیست و تکلیفی بر آن نداری. هر سال بدعتی جدید ایجاد  
می‌شود. در ملاء عام عمل جنسی انجام می‌دهند و از  
ترس، کسی اعتراضی نمی‌کند. عاق فرزندان زیاد می‌شود و

والدین خفیف شمرده می‌شوند، بر پدر خود افترا می‌بندند و علیه والدین شهادت می‌دهند و از مرگ آنها خوشحال می‌شوند. اگر روزی بگذرد و گناهی عظیم مثل زنا و کم‌فروشی و شرابخوری انجام ندهند، ملول و محزون شده و آن روز از عمر خود را تزییع شده می‌بینند؛

امام صادق علیه السلام: ..... وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ.... وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ.... وَ رَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا.... وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبْرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا.... وَ تُتَوَفَّسَ فِي الرَّجُلِ وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ... وَ كَانَ الرَّبَا ظَاهِرًا لَا يُعَيَّرُ، وَ كَانَ الزَّانَا تُتَدَخُّ بِهِ النِّسَاءُ.... وَ رَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يَنْكَحْنَ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ.... رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُكْرِى امْرَأَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ.... رَأَيْتَ الْقَمَارَ قَدْ ظَهَرَ.... رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ.... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُسْبِي نَشْوَانَ وَ يُصْبِحُ سَكْرَانَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، وَ رَأَيْتَ الْبَهَائِمَ تُنْكَحُ.... وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ، وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمدَّحُ وَ يُعْظَمُ.... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ، فَيَقُولُ: هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ... وَ رَأَيْتَ كُلَّ غَامٍ يَحْدُثُ فِيهِ مِنَ الْبِدْعَةِ وَ الشَّرِّ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ.... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا تَسَافِدُ الْبَهَائِمُ. لَا يَنْكُرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ.... وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدِينَ.... وَ رَأَيْتَ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا



وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ  
فُجُورٍ أَوْ بَحْسٍ مِثَالٍ... أَوْ شَرِبَ مُشْكَرٍ كَثِيباً حَزِيناً يَحْسِبُ أَنَّ  
ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ.<sup>۱</sup>

مرد بر سر راه زنان می ایستد و به طور آشکار به آنها  
تجاوز می کند. بهترین آن مردم کسی است که می گوید: اگر  
در ملاء عام این عمل را انجام نمی دادی، بهتر بود؛

پیامبر اکرم ﷺ: فَيَتَهَارَجُونَ فِي الطَّرِيقِ تَهَارِجَ الْبَهَائِمِ ثُمَّ يَقُومُ  
أَحَدُهُمْ بِأَمِهِ وَأُخْتِهِ وَأَبْنَتِهِ فَيُنْكِحُهَا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ يَقُومُ عَنْهَا  
وَاحِدٌ وَيَنْزُوا عَلَيْهَا آخِرٌ لَا يُنْكِرُ وَلَا يُغَيِّرُ فَأَفْضَلُهُمْ يَوْمئِذٍ مَنْ  
يَقُولُ لَوْ تَنَحَّيْتُمْ عَنِ الطَّرِيقِ كَانَ أَحْسَنُ.<sup>۲</sup>

در چنین وضعیتی که حقوق شهروندی همگی زیر پا  
گذاشته شده، فتنه و بلا همه جا سایه افکنده و مردم در  
عقاید دینی متشتت شده اند و همچون سگان گرسنه به  
جان هم افتاده اند؛ آنکس که در فکر کرامت های بر باد رفته  
است، صبح و شام آرزوی مرگ می کند؛

امام باقر علیه السلام: ..... فِتْنَةٌ وَ بَلَاءٌ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشْتَّتُ فِي دِينِهِمْ....  
حَتَّى يَتَمَنَّيَ الْمُتَمَنِّي الْمَوْتَ صَبَاحاً وَمَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ  
النَّاسِ وَ أَكَلَ بَعْضِهِمْ بَعْضاً.<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۵۹.

۲. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۰۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

## بیشتر بخوانید

### حقوق شهروندی در عصر ظهور

الف) حقوق اجتماعی شهروندان: میزان موفقیت یک حکومت در تامین حقوق اجتماعی شهروندان را می‌توان از این راه‌ها ارزیابی کرد: عدالت دولت مردان و کارگزاران، امنیت شهرها و راه‌ها، و رضایت اقشار مختلف مردم.

اما عدالت دولت مردان: گویاترین کلام در تبیین عدالت‌گستری دولت مهدوی را می‌توان از امام صادق علیه السلام روایت نمود:

قسم به خدا عدل او (مهدی عجل الله فرجه) داخل خانه‌هایشان می‌شود همچنان که گرما و سرما داخل می‌شود؛ **أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ.**<sup>۱</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

اگر توجه کنیم که خانه و خانواده خصوصی‌ترین عرصه زندگی اجتماعی انسان است، متوجه میزان گستردگی این عدالت خواهیم شد. تعبیر دیگری که در روایات بی‌شماری در مورد سیره آن حضرت آمده پر کردن زمین از قسط و عدل است پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است؛ *يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا*. استعمال چنین تعبیری در جایی صحیح است که قسط و عدل در همه شؤون جامعه، محور تعاملات اجتماعی باشد.

شخصیت معنوی کارگزاران بلندپایه حکومت مهدوی نیز نشان از عدالت آنها دارد. پنج تن از قوم حضرت موسی علیه السلام - که به قضاوت عادلانه مشهوراند - هفت نفر اصحاب کهف، یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری و مالک اشتر در زمان حضرت صلی الله علیه و آله رجعت می‌کنند و در خدمت او قرار می‌گیرند؛ امام صادق علیه السلام:

إِذَا قَامَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا: خَمْسَةٌ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ، وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ وَصِيَّ مُوسَى وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ أَبَادِجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَالِكَ الْأَشْطَرِ.<sup>۱</sup>

حافظان امنیت و پاسداران حقوق اجتماعی شهروندان  
یعنی فرماندهان و لشکریان نیز مردانی شب زنده دارند که  
شب را در حال قیام به پرستش می‌پردازند و به هنگام نماز  
زمزمه‌ای مانند زنبور عسل دارند و صبحگاهان در حالیکه  
بر اسب‌های خود سوارند برای انجام مأموریت رهسپار  
می‌شوند؛ امام صادق علیه السلام:

رِجَالٌ لَا يَتَأَمُونَ اللَّيْلَ، هُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ،  
يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ، وَيُضَبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ.<sup>۱</sup>

دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن محکم و استوار است.  
هرکدام نیروی چهل مرد را دارد؛ امام سجاد علیه السلام:

جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ  
أَرْبَعِينَ رَجُلًا.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام در وصف آنها می‌فرماید:

گویا یاران مهدی را می‌بینم که سراسر زمین و آسمان را  
احاطه کرده‌اند و هیچ چیز نیست که فرمانبردار و تسلیم محض  
آنان نباشد. درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز در پی  
خشنودی آنان هستند، به قدری محبوبیت دارند که قطعه‌ای

۱. همان، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۱۷.

از زمین بر قطعه دیگر فخر و مباحات می‌کند و می‌گوید: امروز یکی از یاران مهدی عجل الله فرجه بر من گام نهاد و از اینجا گذشت؛  
 كَاتِبِ بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخُرُ الْأَرْضُ وَ تَقُولُ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ.<sup>۱</sup>

اما امنیت جاده‌ها و شهرها: پیرزن ناتوان از مشرق به قصد مغرب خارج می‌شود و کسی مانع او نمی‌شود؛  
 امام باقر علیه السلام:

يَخْرُجُ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ.<sup>۲</sup>

به سبب وجود آن حضرت راه‌ها امن می‌گردد؛  
 امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿سَيُرَوُّ فِيهَا أَلْيَالِي وَ أَيَّاماً آمَنِينَ﴾ می‌فرماید:

مَعَ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.<sup>۳</sup>

وقتی آن حضرت ترازوی عدل را برقرار کرد تمایل مردم به ستم نیز از بین می‌رود و کسی به دیگری ستم نمی‌کند؛ امام رضا علیه السلام:

۱. همان، ۳۲۷.

۲. همان، ص ۳۴۵.

۳. همان، ص ۳۱۴.

وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا.<sup>۱</sup>

کینه از میان مردمان برداشته می‌شود؛ علی عليه السلام:

لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ،<sup>۲</sup>

بطوری که مومنان از جیب همدیگر به قدر حاجت  
برمی‌دارند بدون هیچ مانعی؛

يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ.<sup>۳</sup>

مردم به فطرت خویش بازمی‌گردند، نه خونی به ناحق  
ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کنند؛

حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلُ لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا  
يُهْرِقُ دَمًا.<sup>۴</sup>

حتی حیوانات نیز دست از ستم و تعدی برمی‌دارند،  
درندگان با چهارپایان زندگی صلح‌آمیز دارند و به انسانها  
آزار نمی‌رسانند؛

وَاضْطَلَحَتِ السُّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى  
الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يَهِيْجُهَا

۱. همان، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۱۶.

۳. همان، ص ۳۷۲.

۴. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۷۰.

سَبْعُ وَلَا تَخَافُهُ.<sup>۱</sup>

به گوسفند و گاو تعدی نمی‌شود، افسار از دهان حیوانات برمی‌دارند، کودک دستش را در دهان درنده می‌گذارد، ولی حیوان آزاری به او نمی‌رساند، بچه حیوان در جلو شیر و درنده انداخته می‌شود و به او آسیبی نمی‌رسد، شیر در میان گله شتر همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان، مانند سگ گله است؛ پیامبر ﷺ:

... لَا يُسْعَى عَلَى شَاةٍ وَلَا تُبْغَى بَقْرَةٌ... وَيَنْزَعُ جِمَّةَ كُلِّ دَابَّةٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فَمِ الْخَشِّ فَلَا يُضِرُّهُ وَتُلْقَى الْوَلِيدَةُ الْأَسَدَ فَلَا يُضِرُّهَا وَيَكُونُ فِي الْأَيْلِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا وَيَكُونُ الذِّئْبُ فِي الْغَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا.<sup>۲</sup>

اما رضایت شهروندان: عدالت مهدوی چنان بر مردم گوارا می‌آید که زندگان آرزو می‌کنند کاش مردگانشان زنده بودند و از آن عدالت بهره‌مند می‌شدند؛

تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ،<sup>۳</sup>

خردسالان آرزو می‌کنند ای کاش بزرگ بودند و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۵۲.

۳. کورانی، معجم احادیث، ج ۱، ص ۸۳.

بزرگسالان آرزوی کودکی می‌کنند؛

يَتَمَنَّى فِي زَمَنِ الْمُهْدِيِّ الصَّغِيرُ أَنْ يَكُونَ كَبِيرًا وَالْكَبِيرُ أَنْ يَكُونَ  
صَغِيرًا.<sup>۱</sup>

خداوند محبت او را در سینه مردمان می‌افکند؛

يُلْقِي اللَّهُ مَحَبَّتَهُ فِي صُدُورِ النَّاسِ.<sup>۲</sup>

مردمان به او پناه می‌آورند چنانکه زنبورها به گرد ملکه  
خود جمع می‌شوند؛

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ إِلَى يَعْسُوبِهَا.<sup>۳</sup>

اهل آسمان و اهل زمین و پرندگان و وحوش و ماهیان  
دریا هم از حکومت او در شادی و سرورند؛

يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيْتَانُ  
فِي الْبَحْرِ.<sup>۴</sup>

ب) حقوق فرهنگی شهروندان: رفاه و امنیت اجتماعی  
عصر ظهور زمینه شکوفایی علوم و آشکار شدن  
خلاقیت‌های صاحبان دانش است. احادیث نیز بیانگر

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۴۷۱.

۳. همان، ص ۲۲۰.

۴. همان، ص ۵۰۴.



پیشرفت خارق العاده علم و فرهنگ در عصر ظهور است:  
 در دوره مهدی عجل الله فرجه خداوند دستش را بر سر بندگان قرار  
 داده و عقلشان را جمع و حلم - یا اخلاقشان - را به کمال  
 می‌رساند؛ امام باقر علیه السلام:

وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ  
 أَخْلَاقَهُمْ - يَا أَخْلَاقَهُمْ.<sup>۱</sup>

علم بیست و هفت جزء دارد و آنچه از علم قبل از  
 حضرت مهدی عجل الله فرجه آشکار شده دو جزء است و آن  
 حضرت ۲۵ جزء دیگر را آشکار کرده و در میان مردم  
 منتشر می‌کند؛ امام صادق علیه السلام:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ جُزْءًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ  
 جُزْءَانِ... فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ جُزْءًا فَبَيَّنَّا  
 فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْئَيْنِ.<sup>۲</sup>

حکمت به مردم عطا خواهد شد به حدی که زن در خانه  
 خود نشسته و از روی کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم  
 می‌کند؛ امام باقر علیه السلام:

تَوُثُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ  
 اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. کوزانی، معجم احادیث، ج ۴، ص ۵۲.

همچنین در روایات، برخی از مظاهر و آثار این پیشرفت علمی ذکر شده است: قوای بینایی و شنوایی شیعیان آنچنان مجهز می‌شود که از راه دور بدون واسطه، او را دیده و سخن او را می‌شنوند؛ امام صادق علیه السلام:

مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ  
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي  
مَكَانِهِ.<sup>۱</sup>

وسایل اطلاعاتی آنقدر پیشرفت می‌کند که کفش یا چوب تعلیمی یا عصای شخص به او خبر می‌دهد که خانواده‌اش پس از خارج شدن او از خانه چه کاری انجام داده است؛

وَتَكَلَّمَ الرَّجُلَ عَذْبَةً سَوْطِهِ وَشِرَاكُ نَعْلِهِ وَتُغْبِرُهُ (فَخِذُهُ) بِمَا  
أَحَدَتْ أَهْلُهُ بَعْدَهُ.<sup>۲</sup>

در زمینه حمل و نقل، زمین زیر پای افراد طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به روی‌شان باز می‌گردد، زمین در کمتر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌گردد و ظرف یک ساعت می‌توان از شرق عالم به غرب آن رفت؛

۱. کورانی، معجم احادیث، ج ۴، ص ۵۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۹۸.

سَيَكُونُ بَعْدَكُمْ أَقْوَامٌ تُطَوِّى إِلَيْهِمُ الْأَرْضُ وَ تَفْتَحُ لَهُمُ الدُّنْيَا...  
 حَتَّىٰ لَوْ شَاءَ أَحَدُهُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَوْ غَرِبَهَا فِي سَاعَةٍ فَعَلَ.<sup>۱</sup>

ج) حقوق قضایی شهروندان: در بحث حقوق اجتماعی شهروندان بیان شد که تمایل و انگیزه انسانها برای تعدی به حقوق دیگران بسیار کاهش می‌یابد و در اثر گسترش اخلاق و معنویت کینه از قلوب مردم زدوده می‌شود و در نتیجه مرافعات و نزاعات فردی و جمعی بسیار کم می‌شود. لیکن در عین حال در همین موارد اندک هم دولت مهدوی به گونه‌ای عمل می‌کند که حقوق قضایی شهروندان کاملاً حفظ گردد. هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند مگر اینکه حضرت مهدی عجل الله فرجه آن را باز ستانده و به صاحب حق می‌دهد؛ علی علیه السلام:

وَلَا (يَتْرُكُ) مُظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا.<sup>۲</sup>

در میان مردم به حکم حضرت داوود علیه السلام حکم می‌کند و نیازی به شاهد و بیینه ندارد و با الهام خدا از خفایای مردم خبر می‌دهد؛ امام صادق علیه السلام:

... حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ لَا يَحْتَاجُ إِلَىٰ بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ

۱. همان، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۲. مجلسی، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

تَعَالَىٰ فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ، وَيُخْرِجُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبَطْنُوهُ.<sup>۱</sup>

حتی اگر زیر دندان کسی حقی از دیگری باشد آنرا  
باز می‌ستاند؛

يَبْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمُهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ تَحْتَ خِرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ  
انْتَزَعَهُ حَتَّىٰ يَرُدَّهُ.<sup>۲</sup>

قضات دولت مهدوی هم به سیره و روش خود حضرت  
عمل می‌کنند. رجعت‌کنندگان مثل اصحاب کهف، یوشع  
وصی موسی علیه السلام، مومن آل فرعون، سلمان فارسی،  
ابودجانہ، مالک اشتر و پنج نفر از قوم موسی علیه السلام که مشهور  
به قضاوت عادلانه بوده‌اند در زمان آن حضرت هم امیر و  
هم قاضی هستند. علاوه بر آنها، طبق روایات، آن حضرت  
حدود سیصد نفر از فقهاء را برمی‌گزیند و بین شانه و  
سینه‌هایشان دست می‌کشد که به سبب آن در هیچ  
قضاوتی در نمی‌مانند و سپس آنها را به عنوان حاکم و  
قاضی به شهرهای مختلف اعزام می‌کند؛

يَخْرُجُ فِيهَا الْقَائِمُ عليه السلام وَ هُمُ النَّجَبَاءُ وَ الْفُقَهَاءُ وَ هُمُ الْحُكَّامُ وَ  
هُمُ الْقُضَاةُ الَّذِينَ يَمْسَحُ بَطُونَهُمْ وَ ظُهُورَهُمْ فَلَا يُشْكِلُ عَلَيْهِمْ  
حُكْمٌ.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. ابن طاووس، پیشین، ص ۶۸.

۳. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۲۰۵.

(د) حقوق اقتصادی شهروندان: آن حضرت - چنانکه در بخش قبلی گذشت - اموال غصب شده شهروندان را به صاحبان آن برمی گرداند. و سنت رایج میان حاکمان گذشته در واگذاری اقطاع (زمین هایی که به اطرافیان حکومت می بخشیدند) را لغو می کند؛

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَضْمَحَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قِطَائِعَ.<sup>۱</sup>

نسبت به کارگزاران حکومت با شدت عمل می کند، اما در عطا و بخشش به مردم سخی و بخشنده است و مساکین را مورد حمایت قرار می دهد؛

عَلَامَةُ الْمُهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ.<sup>۲</sup>

بخشش او گوارا و بی منت و بدون شمارش است؛

عَطَاؤُهُ هَنِيئاً، يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَنِيئاً أَي يُعْطَى الْمَالُ غَرْقاً - يَقَالُ لَهُ السَّفَاحُ.<sup>۳</sup>

اموال را به تساوی تقسیم می کند؛

۱. کورانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. همان، ص ۹۷ و ۹۸.

الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيَّ اعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ! <sup>۱</sup>

از همه مهم‌تر اینکه در مردم روح بی‌نیازی و بلندطبعی ایجاد می‌شود، بطوری که در مقابل دعوت خزانهدار دولت برای دریافت مال، اعلام بی‌نیازی می‌کنند و زکات اموالشان را هم با رغبت جدا کرده و چون نیازمندی در محل پیدا نمی‌کنند حمل کرده و در سایر نقاط به دنبال فرد نیازمند می‌گردند؛

يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ غِنًى وَ سَعِيَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا فَيُنَادِي فَيَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ. <sup>۲</sup> وَ يُخْرِجُ النَّاسَ خَرَاجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَ يُوسِّعُ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا، وَ لَوْلَا مَا يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ لَبَغَوْا. <sup>۳</sup>

ه) حقوق معنوی شهروندان: تضمین فضای عمومی سالم و پاک که زمینه را برای رشد مکارم اخلاقی و فعلیت یافتن کرامت‌های انسانی فراهم سازد نیازمند وجود آرمان صحیح و دستورالعمل‌های مناسب، رهبر عادل و آرمان‌گرا، و کارگزارانی متعهد است، و این هر سه در دولت مهدوی به کامل‌ترین صورت فراهم است.

رهبر حکومت کسی است که بهشت مشتاق زیارت اوست؛

۱. همان، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

الْجَنَّةُ تَشْتَاقُ إِلَىٰ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَهْلِ... وَالْمَهْدِيُّ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ  
عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ.<sup>۱</sup> او طاووس اهل بهشت وَالْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ أَهْلِ  
الْجَنَّةِ و یکی از هفت آقای اهل بهشت است. نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ  
الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ وَخَمْرَةٌ وَ عَلِيٌّ وَ جَعْفَرُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ  
وَالْمَهْدِيُّ.<sup>۲</sup>

اهل آسمان و زمین و پرندگان بر او درود می فرستند؛ يُصَلِّي  
عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ طَيْرُ السَّمَاءِ.<sup>۳</sup>

اجرای احکام اسلام سرلوحه برنامه های اوست. دین را  
از غربت در آورده و عزت می دهد؛ يَرُدُّ اللّٰهُ بِهِ الدِّينَ.<sup>۴</sup> درب  
هر باطل و بدعتی را بسته و قفل هر حقی را می گشاید؛

يَفْتَحُ اللّٰهُ بِهٖ بَابَ كُلِّ حَقٍّ، يُغْلِقُ بِهٖ كُلَّ بَابٍ باطلٍ.<sup>۵</sup>

مردم را به سیره و شریعت پیامبر ﷺ و امی دارد؛

سُنَّتُهُ سُنَّتِي، يَقِيْمُ النَّاسَ عَلٰى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي.<sup>۶</sup>

پیشانی شیطان را گرفته و گردنش را می زند تا مردم از

۱. کورانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۱۹۹.

۳. همان، ص ۵۰۴.

۴. همان، ص ۴۵۵.

۵. همان، ص ۱۷۴.

۶. همان، ص ۲۲۵.

وسوسه‌های او ایمن شوند؛ امام صادق علیه السلام:

فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمًا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى  
يَحْتُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مَنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ  
بِنَاصِيَّتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ.<sup>۱</sup>

فرماندهان و وزیران او بزرگانی چون حضرت  
عیسی علیه السلام، خضر و الیاس پیامبر علیه السلام، اصحاب کهف،  
سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر، نفس زکیه و  
سایر ابدال، نجباء و جوانمردان (عصائب) از بلاد مختلف  
می‌باشند؛

الْخِضْرُ فِي الْبَحْرِ وَ الْيَاسُ فِي الْبَرِّ<sup>۲</sup> \* الثَّانِي عَشَرَ الَّذِي يُصَلِّي  
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ بِسُنَّتِهِ وَ الْقُرْآنَ الْكَرِيمِ<sup>۳</sup> \* خَمْسَةٌ مِنْ قَوْمِ  
مُوسَى.... وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ يُوشَعَ وَ صِيُّ مُوسَى وَ  
مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ أَبَادِجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَالِكَ  
الْأَشْتَرِ<sup>۴</sup> \* فَيَخْرُجُ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ أَشْبَاهُهُمْ، وَ يَخْرُجُ إِلَيْهِ  
النُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ أَشْبَاهُهُمْ.<sup>۵</sup>

سپاهیان آن حضرت زاهدان شب و شیران روز هستند؛

۱. مجلسی، پیشین، ج ۶۰، ص ۲۵۴.

۲. کورانی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۶.

۴. مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

۵. کورانی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۶.



فَيَسِيرُ مَعَ قَوْمٍ أُسِدِّ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ.<sup>۱</sup>

خداوند قلوب آنها را به تقوا آزمایش کرده و سینه آنها را  
آکنده از ورع و اخلاص و یقین و تقوا و خشوع و صدق و  
حلم و... نموده است؛

وَاتَّخَبْتُ لِذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَاداً لِي إِمْتَحَنْتُ قُلُوبَهُمْ لِلْإِيمَانِ، وَ  
حَشَوْتُهَا بِالْوَرَعِ وَالْإِخْلَاصِ وَالْيَقِينِ وَالتَّقْوَى وَالْخُشُوعِ وَ  
الصَّدِيقِ وَالْحِلْمِ وَالصَّبْرِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقَى وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةِ  
فِي عِنْدِي.<sup>۲</sup>

با چنین اوصافی، همه چیز برای حرکت انسان به سوی  
کمال و رشد معنوی مهیا است و هیچکس عذری بر قصور  
و تقصیر خود پیدا نمی‌کند؛

لَيْلًا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَأَقَمْتَ لَنَا عَلَمًا  
هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ص ۴۷۱.

۲. مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۸۴.

۳. دعای ندبه.

## پنجین

۱ - حقوق بشر اخص از حقوق شهروندی است. لیکن در عصر ظهور که مرزهای جغرافیایی اعتبار خود را از دست می‌دهند و دولت واحد جهانی مستقر می‌شود این دو بر هم منطبق خواهند بود.

۲ - آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده محصول دیدگاهی است که انسان را ساکن می‌بیند نه سالک، و بالفعل کریم می‌داند نه بالقوه، و مهم‌ترین حق بشر یعنی حق حیات طیبه یا حق معنوی را مورد غفلت قرار داده است. اعلامیه اسلامی حقوق بشر تا حدی این نقص را برطرف کرده است.

۳ - حقوق شمرده شده در دو اعلامیه مذکور را می‌توان در چهار بخش عمده طبقه‌بندی کرد: حقوق اجتماعی -

فرهنگی، حقوق قضایی، حقوق اقتصادی و حقوق معنوی.  
۴ - عدالت - با مظاهر متنوع آن - محوری‌ترین عامل  
در حفظ و تأمین حقوق شهروندی است، چنانکه ظلم - در  
اشکال مختلف آن - مهم‌ترین عامل در تضییع حقوق  
شهروندی است.

۵ - از روایات استفاده می‌شود که روند جامعه بشری به  
سمت تشدید ظلم در همه عرصه‌ها (اجتماعی، فرهنگی،  
قضایی، اقتصادی و معنوی) است و در جامعه عصر  
ماقبل‌ظهور، ظلم به نهایت خود می‌رسد و جامعه انباشته از  
ظلم و جور می‌شود؛ *مُلِثْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا* به طوریکه یأس و  
نومیدی و ظلم متراکم مرگ را گوارا و محبوب می‌سازد.

۶ - همچنین از روایات فهمیده می‌شود که با قیام  
حضرت مهدی عجل الله فرجه و استقرار حکومت وی، عدل که  
محوری‌ترین شعار و خصیصه قیام اوست در بالاترین  
درجه خود بر همه ساحت‌های حیات بشری سیطره  
می‌یابد، به گونه‌ای که همچون سرما و گرما در داخل  
خانه‌ها نفوذ می‌کند و جامعه پر از عدل و قسط می‌شود؛ *يَمَلَأُ  
الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا* و مردمان، حیات مردگان خود را  
آرزو می‌کنند.